احكام زكات‏

عين - كوثر

پيشگفتار

آن هنگام كه آيه زكات بر پيام‏آور وحى‏صلى الله عليه وآله‏نازل شد، به منادى فرمان داد تا ميان مسلمانان ندا برآورد:

«أيّها المسلمون! زَكّوا أموالَكُم تُقبَلَ صَلَواتُكُم»(1)

«اى مسلمانان! زكات داراييهاى خويش را بدهيد تا نمازتان پذيره حق شود.»

اين ندا، ندايى وحيانى بود بر ارزش و اهميت زكات و همه آنچه مربوط به آن است در عرض زمين و در طول زمان.

آنچه ما در پى آورده‏ايم، احكام زكات طبق فتاوا و نظريات مرجع كم نظير شيعه و بنيان گذار جمهورى اسلامى ايران، حضرت امام خمينى‏قدس سره‏است تا ما نيز بتوانيم به نداى آن وحيانى‏مرد لبيكى گفته باشيم.

چون هدفمان آشنايىِ بيش‏تر با احكام زكات و دريافت كلى از آن بوده است و مى‏خواسته‏ايم دراز دامن هم سخن نگفته باشيم، از يادكردِ فتاوا و نظريات مراجع بزرگوار ديگر پرهيخته‏ايم.

از اين رو هر مقلّدى براى عمل به احكام زكات، نه فقط شايسته كه بايسته است به فتاوا و نظريات مرجع تقليد خويش نيز مراجعه كند و سپس آنها را به كار گيرد.

موارد وجوب زكات‏

زكات بر نُه چيز واجب است:

اول: گندم؛

دوم: جو؛

سوم: خرما؛

چهارم: كشمش؛

پنجم: طلا؛

ششم: نقره؛

هفتم: شتر؛

هشتم: گاو؛

نهم: گوسفند.

اگر كسى مالك يكى از اين نُه چيز باشد، با شرايطى كه بعداً گفته مى‏شود، بايد مقدارى را كه معين شده به يكى از مصرفهايى كه دستور داده‏اند برساند.

توضيح‏المسائل، مسئله 1853

تذكر: سُلْت كه دانه‏اى است به نرمى گندم و خاصيت جو دارد خمس ندارد، ولى عَلْس كه مثل گندم است و خوراك مردمان صنعا مى‏باشد زكاتش بنا بر احتياط واجب بايد داده شود. توضيح‏المسائل، مسئله 1854

شرايط وجوب زكات‏

شرايط واجب شدن زكات بر دو نوعند:

الف) شرايط زكات دهندگان‏

كسانى كه زكات بر آنان واجب است بايد داراى شرايط زير باشند:

1. بلوغ‏

بنابر اين، بر افراد نابالغ زكات واجب نيست، و در مواردى كه گذشتِ يك سال در پرداخت زكات شرط است، بلوغ از آغاز سال معتبر است، و در غير آن موارد، انسان بايد قبل از زمان تعلق گرفتن زكات بالغ باشد. تحريرالوسيله، ج 1، ص 312، احدُها

يادسپارى: اگر مالك گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بين سال بالغ شود، زكات بر او واجب نيست. توضيح‏المسائل، مسئله 1857

2. عقل‏

پس زكات بر كسى كه مجنون است واجب نيست، و در مواردى كه گذشتِ سال در پرداخت زكات شرط است بايد در تمام سال عاقل باشد؛ و در غير آن موارد، قبل از زمان تعلق زكات، داشتن عقل معتبر است. تحريرالوسيله، ج 1، ص 312، ثانيها

3. آزادى‏

بنابر اين، بر كسى كه بنده ديگرى است زكات واجب نيست؛ اگر چه مالك شدن «بنده» را قبول داشته باشيم. تحريرالوسيله، ج 1، ص 312، ثالثها

4. مالكيت‏

پس بر مالى كه بخشيده يا قرض داده شده، زكات واجب نيست، مگر بعد از پس گرفتن آنها.

همچنين در مالى كه وصيت شده، زكات واجب نيست؛ مگر بعد از فوت وصيت كننده و قبول وصيت از سوى وصيت شونده؛ زيرا قبول وصيت در تحقق ملك براى شخصى كه برايش وصيت شده بنا بر اقوا معتبر است.

تحريرالوسيله، ج 1، ص 312، رابعها

5. امكان تصرف كامل در مال‏

بنابر اين در مال وقفى - اگر چه وقف خاص باشد - و اموال رهنى و مالى كه به سرقت رفته، يا در زمين پنهان است و جاى آن فراموش شده، يا گم شده است و همچنين مالى كه در دريا افتاده و يا از غايبى به ارث رسيده و هنوز به دست وى يا وكيلش نرسيده و يا در مال قرضى، اگر چه امكان دريافت آن از بدهكار باشد، زكات واجب نيست.

تحريرالوسيله، ج 1، ص 313، خامسها

زكات در صورتى واجب مى‏شود كه مال به مقدار نصاب كه بعداً گفته مى‏شود برسد و مالك آن بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف كند.

توضيح‏المسائل، مسئله 1855

يادسپارى: در مواردى كه گذشتِ سال در پرداخت زكات شرط است بايد امكان تصرف كامل در تمام دوازده ماه باشد.

بنابر اين، اگر امكان تصرف كامل در بين سال پيدا شود و سپس [بعد از مدتى‏] از بين برود، آن سال به حساب نمى‏آيد و احتياج به سال جديد دارد. در آن مواردى كه گذشتن سال معتبر نيست، امكان تصرف كامل در زمان تعلق زكات محل تأمل و اشكال است، اگر چه اقوا آن است كه آن را معتبر بدانيم.

تحريرالوسيله ج 1، ص 313، م 3

ب) شرايط موارد زكات‏

اول: شرايط زكات غلات‏

براى زكات غلات (گندم، جو، خرما و كشمش) دو شرط وجود دارد:

1. مالك بودن زراعت - اگر از زراعت است - يا انتقال زراعت يا محصول (با درخت يا بدون آن) در ملك شخص، قبل از تعلق زكات. تحريرالوسيله، ج 1، ص 326، الامر الثانى‏

2. رسيدن به مقدار نصاب. زكات گندم و جو و خرما و كشمش وقتى واجب مى‏شود كه به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها 288 من تبريز و 45 مثقال كم است كه 207/847 كيلو گرم مى‏شود. توضيح‏المسائل، مسئله 1864

يادسپارى: زكات گندم و جو وقتى واجب مى‏شود كه به آنها گندم و جو گفته شود. و زكات كشمش بنابر احتياط وقتى واجب مى‏شود كه غوره است و موقعى هم كه خرما قدرى خشك شد كه به آن تمر مى‏گويند زكات آن واجب مى‏شود، ولى وقت دادن زكات در گندم و جو موقع خرمن شدن و جدا كردن كاه آنها و در خرما و كشمش موقعى است كه خشك شده باشند. توضيح‏المسائل، مسئله 1858

دوم: شرايط زكات طلا و نقره‏

براى زكات طلا و نقره سه شرط وجود دارد:

1. مسكوك بودن.

زكات طلا و نقره در صورتى واجب مى‏شود كه آن را سكه زده باشند و معامله با آن رواج داشته باشد، و اگر سكه آن از بين هم رفته باشد، بايد زكات آن را بدهند. توضيح‏المسائل، مسئله 1899

يادسپارى: طلا و نقره سكه دارى كه زنها براى زينت به كار مى‏برند، زكات ندارد.

توضيح‏المسائل، مسئله 1900

2. گذشتِ سال.

بعد از آنكه انسان دوازده ماه مالكِ... طلا و نقره بود بايد زكات آن را بدهد، ولى از اول ماه دوازدهم نمى‏تواند طورى در مال تصرف كند كه مال از بين برود و اگر تصرف كند ضامن است، و چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختيارِ او بعضى از شرطهاى زكات از بين برود زكات بر او واجب نيست. توضيح‏المسائل، مسئله 1856

3. رسيدن به مقدار نصاب.

زكات طلا و نقره وقتى واجب مى‏شود كه به مقدار نصاب برسند.

نصاب طلا

طلا دو نصاب دارد: نصاب اول آن بيست مثقال شرعى است كه هر مثقال آن 18 نخود است.

پس وقتى طلا به بيست مثقال شرعى كه پانزده مثقال معمولى است برسد، اگر شرايط ديگر را هم كه گفته شده داشته باشد، انسان بايد چهل يك آن را كه نُه نخود مى‏شود از بابت زكات بدهد و اگر به اين مقدار نرسد زكات آن واجب نيست.

نصاب دوم آن چهار مثقال شرعى است كه سه مثقال معمولى مى‏شود؛ يعنى اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود؛ بايد زكات تمام 18 مثقال را از قرار چهل يك بدهد و زيادى آن زكات ندارد. همچنين است هر چه بالا رود؛ يعنى اگر سه مثقال اضافه شود، بايد زكات تمام آنها را بدهد و اگر كم‏تر اضافه شود مقدارى كه اضافه شده زكات ندارد. توضيح‏المسائل، مسئله 1896

نصاب نقره‏

نقره دو نصاب دارد: نصاب اول آن 105 مثقال معمولى است كه اگر نقره به 105 مثقال برسد و شرايط ديگر را هم كه گفته شد داشته باشد، انسان بايد چهل يك آن را كه 2 مثقال و 15 نخود است از بابت زكات بدهد و اگر به اين مقدار نرسد زكات آن واجب نيست.

نصاب دوم آن 21 مثقال است؛ يعنى اگر 21 مثقال به 105 مثقال اضافه شود، بايد زكات تمام 126 مثقال را به طورى كه گفته شد بدهد. و اگر كمتر از 21 مثقال اضافه شود، فقط بايد زكات 105 مثقال آن را بدهد و زيادى آن زكات ندارد. همچنين است هر چه بالا رود؛ يعنى اگر 21 مثقال اضافه شود، بايد زكات تمام آنها را بدهد، و اگر كم‏تر اضافه شود مقدارى كه اضافه شده و كم‏تر از 21 مثقال است زكات ندارد.

بنابر اين اگر انسان چهل يك هر چه طلا و نقره دارد را بدهد، زكاتى را كه بر او واجب بوده داده و گاهى هم بيش‏تر از مقدار واجب داده است؛ مثلاً كسى كه 110 مثقال نقره دارد، اگر چهل يك آن را بدهد، زكات 105 مثقال آن را كه واجب بوده داده و مقدارى هم براى 5 مثقال آن داده كه واجب نبوده است. توضيح‏المسائل، مسئله 1897

زكات سكه طلا

1. آيا زكات به سكه‏هاى طلايى كه به عنوان هديه به شخصى داده‏اند تعلق مى‏گيرد و در صورت تعلق گرفتن به چه كسى بايد داد، مثلاً مى‏شود به حساب جبهه جنگ يا دولت واريز كرد؟ آيا زكات سالهاى گذشته را نيز بايد داد يا نه؟

باسمه تعالى - اگر شرايط وجوب زكات در آن جمع باشد و به حدّ نصاب برسد زكات دارد. و تا نصاب باقى است، براى هر سال جداگانه زكات دارد و صرف آن براى جبهه مانع ندارد.

استفتائات، ج 1، ص 340، س 3

2. جوانى هستم كه به واسطه بيمارى مادر زادى قادر به حركت نمى‏باشم و با برادرها و خواهر و مادرم زندگى مى‏كنم. در حدود يك سال است كه پول خود را سكه طلا خريده تا وقت گران شدن طلا، آن را بفروشم و از اين طريق كارى كرده باشم. شنيده‏ام اين عمل طبق شرع اسلام نبوده و داشتن طلا براى مرد صحيح نيست، لطفاً مرا راهنمايى فرماييد.

باسمه تعالى - اشكال ندارد، ولى اگر يك سال طلاى سكه‏دار باقى بماند و به حد نصاب باشد علاوه بر خمس درآمد، زكات هم واجب است به شرط آنكه پس از اداى خمس واجب، نصاب باقى باشد. استفتائات، ج 1، ص 341، س 4

سوم: شرايط زكات دام‏

براى زكات دام (شتر و گاو و گوسفند) چهار شرط وجود دارد:

1. گذشتِ سال‏

بعد از آن كه انسان دوازده ماه مالك گاو و گوسفند و شتر... بود بايد زكات آن را بدهد. ولى از اول ماه دوازدهم نمى‏تواند طورى در مال تصرف كند كه مال از بين برود و اگر تصرف كند ضامن است. و چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختيارِ او، بعضى از شرطهاى زكات از بين برود زكات بر او واجب نيست. توضيح‏المسائل، مسئله 1856

2. چريدن‏

يعنى آن كه دام در تمام سال از علف بيابان بچرد؛ پس اگر تمام سال يا مقدارى از آن را از علف چيده شده، يا از زراعتى كه ملك مالك يا ملك كس ديگر است بچرد زكات ندارد.

ولى اگر در تمام سال يك روز يا دو روز از علف مالك بخورد، بنابر احتياط زكات آن واجب مى‏باشد. با استفاده از: توضيح‏المسائل، مسئله 1908

3. بى‏كار بودن حيوان‏

يعنى آن كه حيوان در تمام سال بى‏كار باشد و اگر در تمام سال يكى دو روز كار كرده باشد، زكات آن واجب است. با استفاده از: توضيح‏المسائل، مسئله 1908

4. رسيدن به مقدار نصاب‏

زكات شتر و گاو و گوسفند وقتى واجب مى‏شود كه تعداد آنها به حد نصاب برسند كه در زير به آنها اشاره مى‏كنيم.

نصاب شتر

شتر دوازده نصاب دارد:

اول. پنج شتر و زكات آن يك گوسفند است و تا شماره شتر به اين مقدار نرسد زكات ندارد؛

دوم. ده شتر و زكات آن دو گوسفند است؛

سوم. پانزده شتر و زكات آن سه گوسفند است؛

چهارم. بيست شتر و زكات آن چهار گوسفند است؛

پنجم. بيست و پنج شتر و زكات آن پنج گوسفند است؛

ششم. بيست و شش شتر و زكات آن يك شتر است كه داخل سال دوم شده باشد؛

هفتم. سى و شش شتر و زكات آن يك شتر است كه داخل سال سوم شده باشد؛

هشتم. چهل و شش شتر و زكات آن يك شتر است كه داخل سال چهارم شده باشد؛

نهم: شصت و يك شتر و زكات آن يك شتر است كه داخل سال پنجم شده باشد؛

دهم: هفتاد و شش شتر و زكات آن دو شتر است كه داخل سال سوم شده باشد؛

يازدهم: نود و يك شتر و زكات آن دو شتر است كه داخل سال چهارم شده باشد؛

دوازدهم: صد و بيست و يك شتر و بالاتر از آن است كه بايد يا چهل تا چهل تا حساب كند و براى هر چهل تا يك شتر بدهد كه داخل سال سوم شده باشد، يا پنجاه تا پنجاه تا حساب كند و براى هر پنجاه تا يك شتر بدهد كه داخل سال چهارم شده باشد و يا با چهل و پنجاه حساب كند ولى در هر صورت بايد طورى حساب كند كه چيزى باقى نماند؛ يا اگر چيزى باقى مى‏ماند، از نُه تا بيش‏تر نباشد؛ مثلاً اگر 140 شتر دارد، بايد براى صد تا، دو شتر كه داخل سال چهارم شده و براى چهل تا، يك شتر ماده‏اى كه داخل سال سوم شده باشد، بدهد.

يادسپارى: زكات مابين دو نصاب واجب نيست؛ پس اگر شماره شترهايى كه دارد از نصاب اول كه پنج است بگذرد، تا به نصاب دوم كه ده تا است نرسيده فقط بايد زكات پنج تاى آن را بدهد، و همچنين است در نصابهاى بعد. توضيح‏المسائل، مسئله 1911

اگر انسان براى شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهى را كه كسى نكاشته بخرد، يا اجاره كند، يا براى چراندن در آن باج بدهد، بايد زكات را بدهد. توضيح‏المسائل، مسئله 1909

نصاب گاو

گاو دو نصاب دارد: نصاب اول آن، سى تا است كه وقتى شماره گاو به سى رسيد، اگر شرايطى را كه گفته شد داشته باشد، انسان بايد يك گوساله كه داخل سال دوم شده را از بابت زكات بدهد.

نصاب دوم آن چهل است و زكات آن يك گوساله ماده است كه داخل سال سوم شده باشد.

زكات مابين سى و چهل واجب نيست؛ مثلاً كسى كه سى و نه گاو دارد فقط بايد زكات سى تاى آنها را بدهد.

نيز اگر از چهل گاو زيادتر داشته باشد تا به شصت نرسيده، فقط بايد زكات چهل تاى آن را بدهد. و بعد از آنكه به شصت رسيد، چون دو برابر نصاب اول را دارد، بايد دو گوساله كه داخل سال دوم شده باشد بدهد.

همچنين هر چه بالا رود، بايد آن را به دستورى كه گفته شد بدهد؛ ولى بايد طورى حساب كند كه چيزى باقى نماند، يا اگر چيزى باقى مى‏ماند از نُه تا بيش‏تر نباشد؛ مثلاً اگر هفتاد گاو دارد بايد به حساب سى و چهل حساب كند و براى سى تاى آن زكات سى تا و براى چهل تاى آن زكات چهل تا را بدهد؛ چون اگر به حساب سى تا حساب كند ده تا زكات نداده مى‏ماند. توضيح‏المسائل، مسئله 1912

نصاب گوسفند

گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل و زكات آن يك گوسفند است و تا گوسفند به چهل نرسد زكات ندارد؛

دوم: صد و بيست و يك و زكات آن دو گوسفند است؛

سوم: دويست و يك و زكات آن سه گوسفند است؛

چهارم: سيصد و يك و زكات آن بنابر احتياط واجب چهار گوسفند است؛

پنجم: چهارصد و بالاتر كه بايد آنها را صد تا صد تا حساب كند و براى هر صد تا يك گوسفند بدهد.

لازم نيست زكات را از خود گوسفندها بدهد، بلكه اگر گوسفند ديگرى بدهد، يا مطابق قيمت گوسفند پول بدهد كافى است. ولى اگر بخواهد جنس ديگر بدهد، در صورتى بى‏اشكال است كه براى فقرا بهتر باشد؛ اگر چه لازم نيست.

توضيح‏المسائل، مسئله 1913

يادسپارى: زكات مابين دو نصاب واجب نيست؛ پس اگر شماره گوسفندهاى كسى از نصاب اول كه چهل است بيش‏تر باشد تا به نصاب دوم كه صد و بيست و يك است نرسيده، فقط بايد زكات چهل تاى آن را بدهد و زيادى آن زكات ندارد و همچنين است در نصابهاى بعد. توضيح‏المسائل، مسئله 1914

مصرف زكات‏

انسان مى‏تواند زكات را در هشت مورد مصرف كند:

اول: فقير. و آن كسى است كه مخارج سال خود و عيالاتش را ندارد، و كسى كه صنعت يا ملك يا سرمايه‏اى دارد كه مى‏تواند مخارج سال خود را بگذراند فقير نيست.

دوم: مسكين. و آن كسى است كه از فقير سخت‏تر مى‏گذراند.

سوم: كسى كه از طرف امام‏عليه السلام‏يا نايب امام مأمور است كه زكات را جمع و نگهدارى نمايد و به حساب آن رسيدگى كند و آن را به امام‏عليه السلام‏يا نايب امام يا فقرا برساند.

چهارم: كافرهايى كه اگر زكات به آنان بدهند به دين اسلام مايل مى‏شوند، يا در جنگ به مسلمانان كمك مى‏كنند.

پنجم: خريدارى بنده‏ها و آزاد كردن آنان.

ششم: بدهكارى كه نمى‏تواند قرض خود را بدهد.

هفتم: سبيل‏الله. يعنى كارى كه مانند ساختن مسجد منفعت عمومى دينى دارد، يا مثل ساختن پل و اصلاح راه كه نفعش به عموم مسلمانان مى‏رسد و آنچه براى اسلام نفع داشته باشد.

هشتم: ابن‏السبيل. يعنى مسافرى كه در سفر درمانده شده است.

توضيح‏المسائل، م 1925

توضيحات‏

1. احتياط واجب آن است كه فقير و مسكين بيش‏تر از مخارج سال خود و عيالاتش را از زكات نگيرد؛ و اگر مقدارى پول يا جنس دارد، فقط به اندازه كسرى مخارج يك سالش زكات بگيرد. توضيح‏المسائل، م 1926

2. صنعتگر يا مالك يا تاجرى كه درآمد او از مخارج سالش كم‏تر است، مى‏تواند براى كسرى مخارجش زكات بگيرد؛ و لازم نيست ابزار كار يا ملك يا سرمايه خود را به مصرف مخارج برساند. توضيح‏المسائل، م 1928

3. چيزى را كه انسان بابت زكات به فقير مى‏دهد لازم نيست به او بگويد كه زكات است. بلكه اگر فقير خجالت بكشد، مستحب است به طورى كه دروغ نشود به اسم پيشكش بدهد؛ ولى بايد قصد زكات نمايد. توضيح‏المسائل، م 1935

4. كسى كه بدهكار است و نمى‏تواند بدهى خود را بدهد، اگر چه مخارج سال خود را داشته باشد، مى‏تواند براى دادن قرض خود زكات بگيرد. ولى بايد مالى را كه قرض كرده در معصيت خرج نكرده باشد، يا اگر در معصيت خرج كرده، از آن معصيت توبه كرده باشد؛ كه در اين صورت از سهم فقرا مى‏شود به او داد. توضيح‏المسائل، م 1937

5. مسافرى كه خرجى او تمام شده، يا مَركبش از كار افتاده، چنانچه سفر او سفر معصيت نباشد و نتواند با قرض كردن يا فروختن چيزى خود را به مقصد برساند، اگر چه در وطن خود فقير نباشد مى‏تواند زكات بگيرد.

ولى اگر بتواند در جاى ديگر با قرض كردن يا فروختن چيزى مخارج سفر خود را فراهم كند، فقط به مقدارى كه به آنجا برسد مى‏تواند زكات بگيرد. توضيح‏المسائل، م 1940

مصرف زكات به وسيله خود انسان‏

آيا شخص مُكلّف مى‏تواند خودش حساب خمس و زكاتش را بكند و طبق مصارفى كه در رساله ذكر شده است به مصرف برساند؟

باسمه تعالى - در زكات مانع ندارد، ولى در خمس بايد اجازه بگيرد. استفتاء

شرايط مستحقان زكات‏

مستحقان يا گيرندگان زكات بايد واجد شرايط زير باشند:

اول: كسى كه زكات مى‏گيرد بايد شيعه دوازده امامى باشد و اگر از راه شرعى شيعه بودن كسى ثابت شود و به او زكات بدهد و زكات تلف شود بعد معلوم شود شيعه نبوده لازم نيست دوباره زكات بدهد. توضيح‏المسائل، م 1942

دوم: به كسى كه معصيت كبيره را آشكارا به جا مى‏آورد، احتياط واجب آن است كه زكات ندهند. توضيح‏المسائل، م 1946

سوم: انسان نمى‏تواند مخارج كسانى را كه مثل اولاد خرجشان بر او واجب است از زكات بدهد، ولى ديگران مى‏توانند به آنان زكات بدهند. توضيح‏المسائل، م 1948

چهارم: سيد نمى‏تواند از غير سيد زكات بگيرد، ولى اگر خمس و ساير وجوهات كفايت مخارج او را نكند و از گرفتن زكات ناچار باشد، مى‏تواند از غير سيد زكات بگيرد. ولى احتياط واجب آن است كه اگر ممكن باشد فقط به مقدارى كه براى مخارج روزانه‏اش ناچار است، بگيرد. توضيح‏المسائل، م 1955

يادآورى‏

1. به فقيرى كه گدايى مى‏كند مى‏شود زكات داد، ولى به كسى كه زكات را در معصيت مصرف مى‏كند، نمى‏شود زكات داد. توضيح‏المسائل، م 1945

2. اگر انسان زكات را به پسرش بدهد كه خرج زن و نوكر و كُلفت خود نمايد، اشكال ندارد. توضيح‏المسائل، م 1949

3. به كسى كه بدهكار است و نمى‏تواند بدهى خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد مى‏شود زكات داد.

ولى اگر زن براى خرجى خودش قرض كرده باشد شوهر نمى‏تواند بدهى او را از زكات بدهد، بلكه اگر كس ديگرى هم كه مخارج او بر انسان واجب است براى خرجى خود قرض كند احتياط واجب آن است كه بدهى او را از زكات ندهد. توضيح‏المسائل، م 1947

4. اگر پسر به كتابهاى علمى دينى احتياج داشته باشد، پدر مى‏تواند براى خريدن آنها به او زكات بدهد. توضيح‏المسائل، م 1950

5. پدر مى‏تواند به پسرش زكات بدهد كه براى خود زن بگيرد؛ پسر هم مى‏تواند براى آنكه پدرش زند بگيرد زكات خود را به او بدهد. توضيح‏المسائل، م 1951

6. به كسى كه معلوم نيست سيد است يا نه، مى‏شود زكات داد.

توضيح‏المسائل، م 1956

زمان پرداخت زكات‏

1. موقعى كه گندم و جو را از كاه جدا مى‏كنند و موقع خشك شدن خرما و انگور، انسان بايد زكات آنها را به فقير بدهد؛ يا از مال خود جدا كند.

زكات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه دوازدهم بايد به فقير بدهد، يا از مال خود جدا نمايد. ولى بعد از جدا كردن اگر منتظر فقير معيّنى باشد، يا بخواهد به فقيرى بدهد كه از جهتى برترى دارد مى‏تواند زكات را به انتظار او و لو تا چند ماه نگه دارد. توضيح‏المسائل، م 1961

2. بعد از جدا كردن زكات لازم نيست فوراً آن را به مستحق بدهد، ولى اگر به كسى كه مى‏شود زكات داد دسترسى دارد احتياط مستحب آن است كه دادن زكات را تأخير نيندازد. توضيح‏المسائل، م 1962

3. كسى كه مى‏تواند زكات را به مستحق برساند، اگر ندهد و به واسطه كوتاهى او از بين برود، بايد عوض آن را بدهد. توضيح‏المسائل، م 1963

4. كسى كه مى‏تواند زكات را به مستحق برساند، اگر زكات را ندهد و بدون آنكه در نگهدارى آن كوتاهى كند از بين برود، چنانچه دادن زكات را به قدرى تأخير انداخته كه نمى‏گويند فوراً داده است، بايد عوض آن را بدهد و اگر به اين مقدار تأخير نينداخته، مثلاً دو سه ساعت تأخير انداخته و در همان دو سه ساعت تلف شده، در صورتى كه مستحق حاضر نبوده چيزى بر او واجب نيست و اگر مستحق حاضر بوده، بنا بر احتياط واجب بايد عوض آن را بدهد. توضيح‏المسائل، م 1964

مسائل متفرقه‏

1. اگر زكات را از خود مال كنار بگذارد، مى‏تواند در بقيه آن تصرف كند. و اگر از مال ديگرش كنار بگذارد، مى‏تواند در تمام مال تصرف نمايد. توضيح‏المسائل، م 1965

2. انسان نمى‏تواند زكات را كه كنار گذاشته براى خود بردارد و چيز ديگرى به جاى آن بگذارد. توضيح‏المسائل، م 1966

3. اگر از زكاتى كه كنار گذاشته منفعتى ببرد، مثلاً گوسفندى كه براى زكات گذاشته برّه بياورد، مال فقير است. توضيح‏المسائل، م 1967

4. اجرتِ وزن كردن و پيمانه نمودن گندم و جو و كشمش و خرمايى كه براى زكات مى‏دهد با خود اوست. توضيح‏المسائل، م 1977

5. اگر شك كند زكاتى را كه بر او واجب بوده داده يا نه؛ بايد زكات را بدهد، هر چند شك او براى زكاتِ سالهاى پيش باشد. توضيح‏المسائل، م 1980

6. انسان مى‏تواند از زكات، قرآن يا كتاب دينى يا كتاب دعا بخرد و وقف نمايد، اگر چه بر اولاد خود و بر كسانى وقف كند كه خرج آنان بر او واجب است و نيز مى‏تواند توليت وقف را براى خود يا اولاد خود قرار دهد. توضيح‏المسائل، م 1982

7. كسى كه مشغول تحصيل علم است و اگر تحصيل نكند مى‏تواند براى معاش خود كسب كند؛ چنانچه تحصيل آن علم، واجب يا مستحب باشد مى‏شود به او زكات داد. و اگر تحصيل آن علم واجب يا مستحب نباشد، زكات دادن به او اشكال دارد.

توضيح‏المسائل، م 1990

نكته اخلاقى: بهتر است زكات را آشكار و صدقه مستحبى را مخفى بدهند.

توضيح‏المسائل، م 1974

نيت زكات‏

انسان بايد زكات را به قصد قربت؛ يعنى براى انجام فرمان خداوند عالم بدهد و در نيت معين كند كه آنچه را مى‏دهد زكات مال است، يا زكات فطره؛ ولى اگر مثلاً زكات گندم و جو بر او واجب باشد، لازم نيست معين كند چيزى را كه مى‏دهد زكات گندم است يا زكات جو. توضيح‏المسائل، م 1957

گرفتن وكيل براى پرداخت زكات‏

اگر كسى را وكيل كند كه زكات مال او را بدهد، چنانچه وكيل وقتى كه زكات را به فقير مى‏دهد، از طرف مالك نيّت زكات كند كافى است. توضيح‏المسائل، م 1959

پولى را كه براى وجوه شرعيه جدا و تعيين شده جآياج مى‏توان آن را مصرف نمود يا با پول ديگرى عوض كرد؟

باسمه تعالى - مانع ندارد و به جدا كردن تعيين نمى‏شود، مگر در زكات كه با جدا كردن متعين مى‏شود و نبايد در آن تصرف كرد. استفتائات، ج 1، ص 344، س 16

پي نوشت :

1) وسائل الشيعه، ج 6، ص 3.